تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۳۸

تب‌تند قیمت در بازار سرد لوازم خانگی

پس‌لرزه‌های جنگ در امین حضور

بیش از یک ماه از آتش بس می‌گذرد، اما پیامدهای جنگ همچنان بر اقتصاد ایران تاثیرگذار است، شرایطی که فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان از تداوم آن ابراز نگرانی می‌کنند.

گزارش‌های میدانی از بازار لوازم خانگی نشان می‌دهد اگرچه مغازه‌ها و واحدهای صنفی همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند، اما بازار با کاهش تقاضا و رکود نسبی مواجه شده، موضوعی که به گفته فروشندگان، شرایط کسب‌وکار را دشوار کرده است. آن طور که بررسی‌ها نشان می‌دهد کالاهای لوازم خانگی با نوسان قیمتی مواجه شدند و همین مسئله باعث شده خریداران با تردید بیشتری برای خرید اقدام کنند.

بازار لوازم خانگی در سال‌های گذشته تحت تاثیر نوسان قیمت دلار بوده، این در حالی است که سال‌هایی بوده که نه تنها با کاهش قیمت دلار لوازم خانگی ارزان نشده بلکه روند صعودی به خود گرفته است. برخی فروشندگان معتقدند افزایش اخیر قیمت‌ها بیش از آنکه صرفاً ناشی از نرخ ارز باشد، به عواملی مانند افزایش هزینه تأمین مواد اولیه، هزینه‌های تولید و محدودیت‌های ایجادشده در روند تأمین کالا مربوط است.

در بازار لوازم خانگی هنگام استعلام قیمت کالاها، بسیاری از فروشندگان نسبت به ثبات قیمت‌ها ابراز اطمینان نمی‌کنند و معتقدند شرایط بازار همچنان با نوسان همراه است.

اکثر فروشندگان بازار امین حضور می‌گویند: «قیمت‌ها برای این لحظه است و فردا تغییر می‌کند.» فروشنده یکی از شرکت‌های لوازم خانگی داخلی هم مدعی شد: «این شرکت از ابتدای اردیبهشت تاکنون سه مرتبه قیمت کالاهای خود را افزایش داده و علت آن هم مشخص نیست.» فروشندگان نمایندگی برندهای داخلی هم گفتند: «شرکت ابلاغیه‌های افزایش حدود ۱۰ درصدی قیمت را هر دو سه روز یک بار به نمایندگی‌های خود ابلاغ می‌کنند.»

فروشنده‌های لوازم خانگی وارداتی هم در جواب اینکه آیا واردات لوازم خانگی در جریان است، معتقد بودند که «این کالاها قبل از جنگ وارد شده، اما قیمت آنها به دلیل نبود واردات در حال افزایش است.» داده‌های قیمتی نشان می‌دهد که نرخ لوازم خانگی پس از جنگ، حداقل ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده که در برخی اقلام به بیش از ۱۰۰ درصد رسیده است.



یادداشت روز

سیاست‌گذاری پولی در تنگنای جنگ و تورم

■ **آلبرت بغزیان**
اقتصاددان

در شرایطی که اقتصاد ایران همزمان با فشارهای بیرونی، نااطمینانی‌های سیاسی و تهدیدات جنگی مواجه است، سیاست‌گذاری پولی دیگر صرفا یک ابزار کنترل تورم یا مدیریت نقدینگی نیست؛ بلکه به ابزاری برای حفظ ثبات اقتصادی، پشتیبانی از تولید و حتی تامین هزینه‌های دفاعی کشور تبدیل شده است. در چنین فضایی، مهم‌ترین الزام سیاست پولی واقع‌بینی در تصمیم‌گیری و پرهیز از نسخه‌های کلاسیک و غیرقابل اجراست.

واقعیت این است که در شرایط جنگی، اولویت نخست هر دولت، حفظ توان دفاعی و جلوگیری از فروپاشی فعالیت‌های اقتصادی است. هر اقدامی که بتواند هزینه‌های دفاع و اداره کشور را تامین کند در اولویت قرار می‌گیرد. شاید این نخستین‌بار پس از جنگ جهانی دوم باشد که جهان با احتمال جنگی فرسایشی و چندلایه مواجه می‌شود؛ جنگی که تنها در میدان نظامی تعریف نمی‌شود، بلکه بازار ارز، تجارت، تولید و حتی نظام بانکی را نیز درگیر می‌کند. تفاوت مهم شرایط امروز با دوران جنگ تحمیلی نیز در این است که آن زمان، اقتصاد کشور با انسداد کامل مسیرهای تجاری و ارزی مواجه نبود، اما امروز حتی کانال‌های انتقال ارز، تجارت منطقه‌ای و مبادلات مالی نیز در معرض اختلال قرار دارند.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

سهمیه ۲.۷ همتی تسهیلات قرض‌الحسنه مسکن به ۴ بانک ابلاغ شد

هزینه دریافت گواهینامه رانندگی به ۱۵ میلیون تومان رسید

صدور مجوز سکوهای معاملات آنلاین طلا و نقره آغاز شد

تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۳۸

کارایی منابع محدود دولت را در شرایط جنگی چگونه افزایش دهیم؟

توازن مالی دولت با انضباط و تحرک اقتصادی

در شرایطی که اقتصاد ایران با تبعات مستقیم و غیرمستقیم جنگ، اختلال در برخی زنجیره‌های تأمین، افزایش نااطمینانی‌های انتظاری و فشار بر منابع بودجه‌ای مواجه است، موضوع «انضباط مالی دولت» بیش از گذشته در کانون توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است.

تجربه اقتصادهای درگیر بحران نشان می‌دهد که در دوره‌های جنگی، دولت‌ها ناچارند همزمان چند هدف را دنبال کنند؛ از یک‌سو جلوگیری از رشد هزینه‌های غیرضروری، کنترل اتلاف منابع و حفظ ثبات مالی، و از سوی دیگر حمایت از بخش‌هایی که می‌توانند مانع از تعمیق رکود، توقف زنجیره‌های تولید و شکل‌گیری بحران در بازار کالاهای اساسی شوند.

در همین چارچوب، طی هفته‌های اخیر مجموعه‌ای از اقدامات در حوزه مدیریت هزینه‌های جاری، کنترل پرداخت‌ها، ساماندهی مصارف بودجه‌ای و تقویت نظارت مالی در دستور کار قرار گرفته است؛ اقداماتی که هدف اصلی آنها، افزایش کارایی منابع محدود دولت در شرایط ویژه اقتصادی عنوان می‌شود. در عین حال، کارشناسان تأکید می‌کنند در شرایط جنگی، انضباط مالی به معنای توقف هزینه‌کرد نیست، بلکه به معنای هدایت دقیق منابع به سمت اولویت‌های اقتصادی و معیشتی کشور است.

حسین رضوی‌پور، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با خبرنگار تازه‌های اقتصاد با اشاره به شرایط رکود تورمی اقتصاد ایران گفت: «اینکه تصور کنیم در شرایط جنگ، دولت باید به هر قیمتی هزینه‌ها را کاهش دهد، لزوماً نگاه درستی نیست. اتفاقاً در برخی حوزه‌ها دولت باید هزینه‌های جدید و فوری ایجاد کند؛ به‌خصوص در بخش‌هایی که می‌تواند زنجیره‌های ارزش مختل‌شده را دوباره فعال کند و اقتصاد را از توقف خارج کند».

در شرایط کنونی، سرمایه‌گذاری فوری در حوزه پشتیبانی، ایجاد و تقویت مسیرهای جایگزین تجاری و تسهیل تأمین کالاهای استراتژیک اهمیت بالایی دارد. بخشی از زنجیره‌های ارزش به دلیل شرایط جنگی دچار اختلال شده‌اند و دولت باید منابع خود را به سمت احیای همین نقاط گلوگاهی هدایت کند.

به گفته وی، مسئله اصلی در شرایط فعلی، نه صرفاً میزان هزینه‌کرد، بلکه کیفیت و جهت این هزینه‌هاست. رضوی‌پور تأکید می‌کند اقتصاد ایران برای عبور از رکود ناشی از شرایط جنگی، ناگزیر به نوعی انبساط نسبی در سیاست‌های پولی و مالی است، اما این انبساط باید کاملاً هدفمند و کنترل‌پذیر باشد.

وی افزود: «الان بیش از آنکه بحث بر سر انقباضی یا انبساطی بودن سیاست‌ها باشد، نحوه هدایت نقدینگی اهمیت دارد. نقدینگی باید به‌صورت برنامه‌ریزی شده به سمت بخش‌هایی برود که امکان احیای تولید، حفظ ثبات و بازگرداندن زنجیره‌های اقتصادی را دارند».

در ماه‌های اخیر نیز سیاست‌گذار پولی و مالی تلاش کرده با مدیریت بازار پول، تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها و جلوگیری از بروز شوک در بازار کالاهای اساسی، تعادل میان حمایت از تولید و کنترل تبعات تورمی را حفظ کند؛ موضوعی که در شرایط جنگی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

رضوی‌پور در ادامه با اشاره به ضرورت تجهیز ساختار نهادی بازار مالی و بودجه کشور برای هدایت نقدینگی گفت: «اگر افزایش هزینه‌ها و تزریق منابع بدون سازکارهای هدفمند صورت بگیرد، ممکن است به جای رونق اقتصادی، صرفاً منجر به افزایش پایه پولی و رشد تورم شود».

وی با اشاره به تجربه تأمین نقدینگی بنگاه‌ها در سال گذشته، استفاده گسترده‌تر از ابزارهایی مانند اوراق گام و تأمین مالی زنجیره‌ای را ضروری دانست و افزود: «این ابزارها باعث می‌شوند نقدینگی دقیقاً در همان بخشی مصرف شود که برای حفظ تولید و تداوم فعالیت اقتصادی نیاز به حمایت دارد و امکان کنترل نحوه مصرف منابع نیز وجود داشته باشد».

سود بین بانکی در پایان اردیبهشت با چه نرخی بسته شد؟

آخرین داده‌های بانک مرکزی از بازار بین بانکی نشان می‌دهد که نرخ سود در هفته منتهی به ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ به ۲۳.۸۱ درصد رسیده است. این رقم نسبت به هفته قبل ۲۳ اردیبهشت با نرخ ۲۳.۲۴ درصد؛ افزایش ۰.۵۷ واحد درصدی را ثبت کرد که فاصله کمی تا سقف کریدور هدف بانک مرکزی (۲۴ درصد) دارد.

بر اساس آمارها، نرخ سود بین بانکی در هفته‌های ابتدایی سال جاری نوسانات قابل توجهی داشته است؛ به‌طوری‌که در هفته منتهی به ۱۲ فروردین به پایین‌ترین سطح خود یعنی ۲۰.۵۸ درصد رسید و سپس در هفته دوم اردیبهشت دوباره به ۲۳.۳۱ درصد صعود کرد. در هفته‌های منتهی به ۱۶ و ۹ اردیبهشت هم این نرخ به ترتیب به ۲۱.۳۷ و ۲۱.۷۳ درصد کاهش یافت، اما مجدداً روند افزایشی به خود گرفته است.

در این دوره، کریدور نرخ سود بانک مرکزی بدون تغییر باقی مانده است؛ به نحوی که حداقل نرخ توافق بازخرید (ریپو) ۲۳ درصد، نرخ اعتبارگیری قاعده‌مند ۲۴ درصد و نرخ سپرده‌گذاری قاعده‌مند ۱۷ درصد ثبت شد.



تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۳۸



تله تورمی در مسیر احیای صنایع با منابع بانکی

همه با بازسازی را بر دوش نظام بانکی نگذاریم

در جریان درگیری‌های اخیر و تجاوز نظامی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به خاک کشور، بسیاری از واحدهای صنعتی بزرگ، به‌ویژه مجموعه‌های صادرات‌محور در حوزه‌های فولاد و پتروشیمی، هدف حملات قرار گرفته و دچار خسارات جدی در زیرساخت‌های تولیدی خود شدند. از آنجا که تداوم تولید و توسعه صادرات، ستون فقرات اقتصاد، اشتغال و امنیت ملی محسوب می‌شود، جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید برای بازگشت سریع این بنگاه‌ها به چرخه اقتصادی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در این میان، نظام بانکی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان تأمین مالی، نقشی کلیدی در بازسازی این واحدها ایفا می‌کند. بانک‌ها به واسطه مدل‌های مختلف ذی‌نفعی، از احیای تولید در این شرکت‌ها منتفع می‌شوند؛ این انتفاع گاه به صورت مستقیم و از طریق تملک سهام مانند سهام‌داری بانک صادرات در پالایشگاه نفت تهران با نماد «شتران» و گاه به صورت غیرمستقیم و در قالب ساختارهای مالکیت شبکه‌ای تعریف می‌شود.

در چنین شرایطی، بازگشت این شرکت‌ها به مدار تولید، نه‌تنها از انباشت زیان در ترازنامه بانک‌ها جلوگیری می‌کند، بلکه مسیر سودآوری شبکه بانکی را نیز هموار می‌سازد.

علاوه بر بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری که به طور هم‌زمان در تملک بانک‌ها و واحدهای صنعتی آسیب‌دیده سهم دارند، نقشی تعیین‌کننده در تسریع فرآیند بازسازی ایفا می‌کنند. این مجموعه‌ها به عنوان حلقه واسط مدیریتی و مالی، می‌توانند منابع را به سمت اولویت‌های بازسازی هدایت کنند. با توجه به اهمیت راهبردی این موضوع، در گفتگوی پیش رو با مدیرعامل یکی از مجموعه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، به بررسی چالش‌ها و راهکارهای عملیاتی برای احیای دوباره صنایع بزرگ کشور پرداخته‌ایم.



» ضرورت تدوین برنامه مقابله با بحران برای بانک‌ها

عیسی رضایی، مدیر ارشد اسبق نظام بانکی با ارزیابی عملکرد شبکه بانکی در جریان جنگ ۴۰ روزه، معتقد است باید میان عملکرد بانک مرکزی و عملکرد برخی بانک‌ها تفکیک قائل شد. به گفته او، زیرساخت‌های اصلی تحت مدیریت بانک مرکزی از جمله سامانه‌های ساتنا، پایا، شتاب و شاپرک در این دوره عملکرد قابل قبولی داشتند و توانستند ثبات عملیاتی سیستم پرداخت کشور را حفظ کنند.

رضایی اظهار کرد: در بخش زیرساخت‌های مرتبط با بانک مرکزی، عملکرد قابل قبولی مشاهده شد. سامانه‌های کلیدی پرداخت بدون اختلال جدی به فعالیت ادامه دادند و تصمیماتی مانند تسهیلات در مورد چک‌های برگشتی نیز پیام آرامش‌بخشی به جامعه منتقل کرد. به همین دلیل می‌توان گفت بانک مرکزی در این مقطع نمره قابل قبول و حتی بالایی کسب کرد.

با این حال او عملکرد برخی بانک‌ها را متفاوت ارزیابی می‌کند و معتقد است ضعف‌های مدیریتی در برخی مؤسسات بانکی موجب بروز تنش‌هایی در شبکه بانکی شد. به گفته وی، قطع یا اختلال در سامانه‌های برخی بانک‌ها که ناشی از اهمال در انجام وظایف و آمادگی ناکافی در برابر تهدیدات بود، فشار و نارضایتی‌هایی را برای مشتریان ایجاد کرد و به اعتبار شبکه بانکی آسیب زد.

رضایی در ادامه با اشاره به حملات سایبری در این دوره، بر ضرورت آماده‌سازی بانک‌ها برای شرایط بحرانی تأکید کرد و گفت: انتظار می‌رفت در چنین شرایطی حتی سامانه‌های بانک مرکزی نیز تحت فشار قرار بگیرند، اما خوشبختانه چنین اتفاقی رخ نداد. با این حال بانک مرکزی باید بانک‌ها را ملزم کند که ماژول‌ها و برنامه‌های عملیاتی مشخصی برای مدیریت بحران داشته باشند.

به اعتقاد او، برخی اقدامات در دوره بحران قابل دفاع نبوده است؛ از جمله جابه‌جایی سرورهای اصلی در میانه شرایط جنگی یا تکرار چندباره حملات موفق سایبری به یک بانک. وی تأکید کرد بانک مرکزی باید در قالب دستورالعمل‌های مشخص، بانک‌ها را ملزم به تدوین و اجرای سناریوهای عملیاتی برای مقابله با بحران‌های مشابه کند.

تازه‌های اقتصاد
شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۳۸



بورس‌های جهان در تلاطم تنش بین ایران و آمریکا

تنش‌های ژئوپلیتیک میان تهران و واشنگتن بار دیگر به یکی از مهم‌ترین محرک‌های بازارهای مالی جهان تبدیل شده و سرمایه‌گذاران را در فضایی از نگرانی، تردید و احتیاط قرار داده است.

در چنین شرایطی، بورس‌های بین‌المللی نه فقط به داده‌های اقتصادی، بلکه به تیترهای خبری، سیگنال‌های دیپلماتیک و حتی احتمال کوچک‌ترین تغییر در معادلات منطقه‌ای واکنش نشان می‌دهند. آنچه در ظاهر یک تقابل سیاسی به نظر می‌رسد، در عمل به مسئله‌ای اقتصادی برای بازارهای سهام، انرژی، ارز و فلزات گران‌بها بدل شده است.



اثر بحران هرمز بر سیاست پولی قاره سبز

بانک مرکزی اروپا برای افزایش نرخ بهره آماده شد

فایننشال تایمز نوشت: بازارهای انرژی طی هفته گذشته دستخوش نوسانات شدیدی بودند که منجر به صعودی شدن روند قیمت‌ها شد. در فضای فعلی، منطقی‌ترین پیش‌بینی، تداوم رشد قیمت‌هاست. به طور کلی، تحلیلگران وضعیت آینده را میان دو سناریو می‌بینند: دستیابی به یک راهکار دائمی برای ثبات، یا تداوم کمبود عرضه که تحت فشار شدید بر بازار، به جهش قیمت‌ها منجر خواهد شد.

اگرچه پیش‌بینی‌های ماه گذشته نسبت به نگرانی‌های شش هفته قبل پایدارتر بوده‌اند، اما در اوایل آوریل، کاهش ناگهانی عرضه نفت خام به پالایشگاه‌ها باعث شد قیمت نقدی بشکه‌های نفت نسبت به قراردادهای آتی (مانند برنت) جهش چشمگیری داشته باشد. در حال حاضر، افزایش صادرات آمریکا در کنار کاهش واردات چین و افت تقاضا به دلیل گرانی سوخت، نوعی «تعادل شکننده» در بازار ایجاد کرده است. با این حال، گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که ذخایر نفت و فرآورده‌های تصفیه‌شده با سرعتی بی‌سابقه در حال تخلیه هستند.

ویدیو



